

درآمد

امروزه دانشمندان علوم مختلف بر نقش راهبردی استفاده بهینه و بهره‌جستن صحیح از روش‌ها و روی‌آورها در مطالعات علمی تأکید می‌کنند. عده‌ای کارآیی و اثربخشی پژوهش را در گرو توسعه کمی و کیفی در روش و ابزار تحقیق می‌دانند.^۱ ضرورت و اهمیت بحث از روش‌شناسی در حوزه مطالعات فلسفی آشکار و از حوصله این نوشتار خارج است. اقبال دانشمندان به آثار و آرای ملاصدرا به عنوان یکی از مؤثرترین فیلسوفان مسلمان در دوره اسلامی، خود بیانگر اهمیت بحث از روش‌شناسی فلسفه صدرایی است. کتاب روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا برای پاسخ به این مهم تألیف شده است. جستجو از روش‌ها، رهیافت‌ها، الگوهای پژوهشی و ابزارهای ملاصدرا در مطالعات فلسفی، از مهم‌ترین مقاصد نگارنده کتاب است؛ به عبارت دیگر این نوشتار گزارش مطالعه نظام‌مند در تحلیل روش‌شناسی و تعیین معرفتی فلسفه ملاصدرا است. اقبال پژوهشگران به یک اثر در اشکال گوناگون نقد، چالش، تحسین و حتی عنادورزی، می‌تواند نمایانگر اثربخشی تحقیق باشد. این پژوهش بارها مورد ارزیابی قرار گرفته و عکس‌العمل دیگر پژوهشگران، نشان از اهمیت و جایگاه ویژه این نوشتار دارد.^۲ اکنون با معرفی اجمالی اثر، به بررسی و نقد آن می‌پردازیم.

ساختار کتاب

کتاب روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا در یک مقدمه و دو بخش، شامل دوازده فصل است. در این مقام با توجه به پیشگفتار خود نویسنده در ابتدای کتاب، به معرفی اجمالی ساختار کتاب می‌پردازیم. فصل نخست در بردارنده مقدمه و طرح مسئله و بیان دوتقریراز آن است. فصل‌های دوم تا هشتم بخش اول نوشتار به گزارش و نقد دیدگاه‌های عمده در پاسخ به دو مسئله روش‌شناسی ملاصدرا و تعیین معرفتی فلسفه وی اختصاص دارند. بخش دوم نوشتار، بیان نظریه مختار است. چهار فصل پایانی نوشتار در این بخش، پس از تمهید مقدماتی به نحو مستند و مرور آثار ملاصدرا، ادعای نگارنده را بیان می‌کنند.

دیدگاه مختار این است که ملاصدرا به آنچه امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای نامیده می‌شود، دست یافته بود.

مطالعات میان‌رشته‌ای در نیمه دوم قرن بیستم در مغرب زمین طرح شد و در سه دهه اخیر مورد اقبال محققان علوم مختلف قرار گرفت و الگوهای پژوهشی مختلفی نیز برای اثربخشی آن به میان آمد. بر اساس

۱. احد فرامرزی قراملکی؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵، ص ۱۹.

۲. از جمله، محمود زراعت پیشه در ماهنامه کتاب ماه فلسفه، سال ۴، ش ۳۷، مهر ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۱.

نقد و بررسی کتاب

روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا

فرشته ابوالحسنی نیازی | دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

چکیده: کتاب روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا، گزارش مطالعه نظام‌مند در تحلیل روش‌شناسی و تعیین معرفتی فلسفه ملاصدرا می‌باشد که توسط آقای قراملکی نگاشته شده است. نویسنده در مقاله حاضر پس از معرفی اجمالی اثر فوق، کتاب را از حیث مزایا و نواقص، در بوطه نقد و بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه: روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا، معرفی کتاب، نقد و بررسی کتاب.

دیدگاه مختار، ملاصدرا چهار قرن پیش به اهمیت مطالعه میان‌رشته‌ای در تحلیل مسائل الهیات آگاه بوده و با خلاقیت و ابتکار توانست الگوهای اثربخشی در هدایت مطالعه میان‌رشته‌ای پیدا کند.

بررسی و نقد کتاب

در مقام بررسی و ملاحظه اجمالی اثر، تنها به دو بیان عمده، یعنی توجه به مزایا و مواضع نقصان آن بسنده می‌کنیم:

مزایا

هر اثری در بردارنده مزایا و مواضع ابهام و نقصان است. صرف توجه منتقدان به مواضع نقصان، از اخلاق نقد و انصاف خارج است. رویارویی هوشمندانه با یک اثر، توجه به تمامی ابعاد آن است. این اثر مزایای بسیاری دارد؛ از جمله:

۱. غلط‌های مطبعی کتاب در برابر حجم کتاب بسیار ناچیز است.

۲. مؤلف در ابتدای کتاب در مقدمه و بارها در داخل متن کتاب، به بیان ارتباط این کتاب با پژوهش‌های سلف، از جمله آثار و پژوهش‌های خود پرداخته است. این مهم، بیانگر امانتداری و دقت مؤلف در مرزهای حساس اخلاق پژوهش است.

۳. در مقدمه کتاب، مسئله تحقیق به صورت متمایز و روشن بیان شده است. بیان مسئله تحقیق، با توجه به گوهر «حسن السؤال، نصف الجواب» و تأکید مؤلف بر آن، بر کارایی اثر افزوده و خواننده را در دریافت پاسخ روشن و صحیح، به این مسئله رهنمون ساخته است. در مواضع بسیاری نیز مؤلف با تحلیل معضله به مسائل گوناگون، پاسخ را آسان‌یاب می‌کند؛ برای مثال صفحه ۱۰۴، در بیان مراد از تفکر کلامی - فلسفی.

۴. الگوی روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا، خود برای محققان آموزش روش‌شناسی است. مؤلف محترم با نقشه‌ای منظم و منسجم ابتدا با طرح مسئله و متمایز و شفاف‌سازی آن، به طرح دیدگاه‌های دیگران، چالش میان آنها و نقد و مدیریت بی‌طرفانه، منصفانه و دقیق همت می‌گمارد و در انتها به نظریه جدید دست می‌یابد. روش‌شناسی مطالعات نویسنده را می‌توان همسوی مطالعات صدراایی با توجه به نظریه مختار دانست.

۵. تحلیل و بازسازی تصور مفاهیم، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تا آنجا که عده‌ای پرسش‌های مقام تصور را مقدم بر دیگر پرسش‌ها می‌شمارند. مؤلف در این کتاب در مواضع گوناگون به تحلیل و بیان تمایز مفاهیم پرداخته است. پرسش از ملاک تمایز مصداقی بردقت کتاب افزوده است؛ برای مثال مؤلف به تحلیل و تمایز التقاط و تلفیق پرداخته است (ص ۳۸).

۶. این کتاب صرفاً گردآوری و توصیف دیدگاه دیگر محققان نیست. مؤلف در بخش اول کتاب علاوه بر گزارش و دسته‌بندی آرای دیگران،

به نقد آرا نیز پرداخته است.

۷. نتیجه‌گیری انتهای هر فصل، در جمع‌بندی ذهنی مخاطب بسیار مؤثر است. نتیجه‌ها بدون عنوان، با قلم بلد (در این فصل) آمده است.

۸. مؤلف در مواردی، علاوه بر بیان دیدگاه‌ها به مقایسه آنها پرداخته است. مقایسه دیدگاه‌ها، ذهن مخاطب را برای درک دقیق نظرها و نقد آنها آماده می‌کند.^۳

۹. سنجش عینی، مطالعه مصداقی و موردی، از مزایای این کتاب است. در برخی موضوعات تحلیل‌های انتزاعی و کلی نمی‌تواند کارآمدی سنجش عینی را داشته باشد؛ برای مثال مطالعه موردی صفحه ۱۳۸ از مزایاست. در برخی مواضع، مؤلف در نظریه‌پردازی و نقد، به کلی‌گویی بسنده نکرده، مثال‌های موردی و مستند وی ستودنی است.^۴ فصل آخر کتاب با عنوان «مطالعه موردی الگوهای پژوهشی نزد ملاصدرا» نمونه کامل این ادعاست.

۱۰. مؤلف علاوه بر بیان دیدگاه‌های شیفتگان صدراایی، به بیان دیدگاه‌های منتقدان صدرا نیز پرداخته است. «از ایستار فلسفی تا ایستار روحانی» فصل هشتم کتاب است. مؤلف در این فصل، به نقل و نقد دیدگاه تفکیکیان پرداخته است.

۱۱. اخلاق نقد و توجه به سخن، به جای صاحب سخن، از دیگر مزایاست. صرف مخالفت با آرا و مدعیات نویسنده‌ای نمی‌تواند دلیل موجهی برای رد کل رهیافت وی باشد. مخالفت با دیدگاه دیگر محققان، چشم مؤلف را به مزایای آنها نبسته است و این انصاف در نقد ستودنی است؛ برای مثال، مؤلف در صفحه ۱۶۱ می‌نویسد: «این سخن به معنا و یا مستلزم موافقت با آرای نویسنده آن نیست؛ اما مخالفت با مطالب کتاب (مدعا و ادله نویسنده) نباید چشم را به اهمیت طرح پژوهشی آن نابینا سازد».

۱۲. مؤلف در نقد دیدگاه‌ها تنها به ذکر رخنه و خلل و نقصان بسنده نکرده، مزایا را نیز بر شمرده است؛ برای مثال می‌نویسد: «مراد از نقد در اینجا لزوماً و به طور انحصاری نقض و رد نویسی نیست، بلکه بیان مواضع قوت و استحکام و مواضع رخنه و خلل، اقتضای رهیافت علمی به نقد دیدگاه‌هاست» (ص ۱۷۱).

۱۳. قلم نویسنده بسیار دقیق و تفکروری بسیار منطقی است؛ برای مثال توجه به تمایز و تفکیک معتقدات و ملتزمات دیدگاه‌ها (ص ۱۷۲) از این دسته است.

۱۴. کتاب خود، آموزش نقادی، تیزبینی، فنون نقد و اخلاق نقد است.

۳. رک به: صص ۷۴ و ۱۵۲.

۴. رک به: صص ۱۴۵.

۴. در برخی موارد تمایز گزارش و نقد، در کلام مؤلف واضح نیست. شاید این امر به سبب بی‌توجهی به نشانه‌گذاری‌هاست؛ برای مثال در صفحه ۱۳۳ و صفحات بعد، گزارش کلام حائری و نقد استاد بر آن، به هم آمیخته است و به عبارت دیگر اینکه کلام مؤلف از کجا آغاز می‌شود و کجا کلام حائری است، دقت بیشتری می‌طلبد.

۵. در برخی مواضع با توضیحاتی روبرو می‌شویم که احساس می‌شود در این کتاب، ضرورت بحث ندارند؛ برای مثال می‌توان از تعریف و بیان هدف مکتب تفکیک (ص ۱۵۳) سخن گفت. در بخش اول کتاب، هدف، بیان و نقد دیدگاه دیگر محققان در روش‌شناسی صدرایی است و توضیح مفصل مبانی مکاتب، از دایره بحث خارج است.

۶. مؤلف در نقد دیدگاه «حکیمی» در فصل هشتم، در موضعی می‌نویسد: «ملاصدرا در هیچ موضع از اسفار به عدول از مبانی خود و تحول از ایستار نخست به ایستار دوم در این موضوع مهم فلسفی اشاره نکرده است» (ص ۱۷۵). در این باره پرسشی مطرح است: ملاصدرا در اسفار به استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای اشاره‌ای نکرده است، با چه دلیلی صرف عدم اشاره را، دلیل بر مدعا بدانیم؟

۷. در فصل نهم کتاب، برخی عناوین تمایز دقیقی ندارند؛ برای مثال ملاکی عینی در تمایز گستره تک‌روشی و حصرگرایی روش‌شناختی ارائه نشده است. در این فصل نظم و انسجام مطلب تا حدی از بین

مطالعه نقد‌های نویسنده، به مثابه معلمی در نقد برای خواننده نواآموز است. خواننده پس از گزارش دیدگاه‌ها، نقد و ملاحظاتی به ذهنش می‌رسد که با مطالعه نقد‌های استاد، و تطبیق و مقایسه دیدگاه خود و مؤلف، به نقد و توانایی ذهنی خود امیدوار می‌شود.

۱۵. نظریه مختار نویسنده بسیار تأثیرگذار و مهم است. در این کتاب ادعای برخورداری ملاصدرا از الگوی میان‌رشته‌ای به دو صورت تحلیل مستدل و بیان مستند آمده، که از امتیازات کتاب است.

۱۶. پیش از تقریر نظریه مختار، مبانی آن به صورت گزاره‌هایی آمده است. این گزاره‌ها در ادامه مطلب به شکل مستند اقامه شده، از مزایای مهم کتاب است (ص ۲۳۴ و بعد).

مواضع نقصان و ابهام

۱. اگرچه قلم نویسنده کتاب علی‌رغم دقت در کلام آسان‌یاب است، با این حال مواضعی به چشم می‌خورد که گویی خواننده باید از پیش، از معلومات ذهنی و مطالعات نویسنده آگاه باشد و بدون این آگاهی، واقعاً درک کلام وی سخت‌یاب است؛ برای مثال نویسنده در بیان ضرورت اقبال محقق به دیگران در مطالعات میان‌رشته‌ای، کسی را محقق می‌داند که بالفعل محقق باشد؛ سپس می‌نویسد: «در نزاع بین شیخین (فارابی و ابن‌سینا) در کیفیت عقد الوضع، جمهور منطق دانان و اصولیان بر رأی ابن‌سینا رفته‌اند و دلیل آنان شهود زبانی است» (ص ۲۴۳). این بیان بدون درک پیشینه این دعوا و پاسخ فارابی و نقد سینا بر وی، به آسانی قابل درک نیست.

۲. اگرچه ارجاعات کتاب بسیار دقیق است و مؤلف رسم امانت‌داری را رعایت کرده است، با این حال مواردی به چشم می‌خورد که ارجاعات ناقص است و کتاب‌شناسی تکمیل نشده است. این امر می‌تواند ناشی از حجم کار نویسنده و سرعت تدوین آثار وی باشد. مؤلف کتاب در امر تألیف بسیار اثربخش، نوآور و پرکار است و این امر پسندیده، می‌تواند سبب چنین اشکالات کوچکی باشد؛ از جمله در فهرست منابع، صفحه ۲۹۳ آمده است: «سبزواری، ملاحادی، تعلیقه بر اسفار الشیرازی، الحکمة المتعالیه»، که مشخصات انتشاراتی اثر بیان نشده است.

۳. تحلیل مفهوم زبان برتر (فرازبان) در فصل هفتم کتاب تفصیل یافته و به نظر می‌رسد توضیح مؤلف در این موضع تا این حد زاید و گیج‌کننده است؛ زیرا به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت دیدگاه حائری با آلفرد تارسکی و دیگر معناشناسان، اگر چنین تفصیلی نبود، خواننده آسان‌تر به درک دیدگاه حائری می‌رسید؛ همچنین در همین فصل گویی مؤلف با ارائه تحلیلی از زبان و فرازبان و بیان تمایز گزاره‌های درجه اول و درجه دوم، به بازسازی دیدگاه آقای حائری پرداخته است و تا حدی نظریه وی را با تحلیلی برتر همسوی می‌داند؛ در حالی که این نگاه به دیدگاه حائری خوشبینانه و نوعی تأویل است.

روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا

دکتر فرامرز قزاملکی

بیان تعریف تحویلی نگری و توضیح تحویلی نگری معرفتی و یا پیشینه و تبیین و علت یابی و برشمردن عوامل آن، انواع تحویلی نگری، و یا حتی و حتی تحلیل دین! اساساً حجم و مسائل تقریری فصل دهم کتاب، قابل بحث است.

۱۰. مهم ترین مطالب این کتاب، در دو فصل آخر آن ذکر شده است؛ در حالی که حجم این دو فصل در مقابل حجم کل کتاب کم است. انتظار این بود که نظریه مختار نویسنده با تفصیل بیشتری بیان می شد. به طور کلی حجم تخصیصی فصول کتاب یکسان نیست و خواننده در دو فصل آخر، نیازمند توضیح بیشتری است.

۱۱. مؤلف در فصل آخر کتاب با انتخاب مسئله علم باری تعالی و مطالعه موردی، به اثبات نظریه مختار می پردازد؛ اما آیا با صرف بیان و رصد چند مورد از مطالعه میان رشته ای در آثار صدرا، می توان روش شناسی صدرا را به تمامی میان رشته ای دانست؟

رفته است و عناوین فرعی و اصلی جدا نشده است و خواننده در اینکه آیا این عناوین قسیم عرضی اند و یا در طول هم، دقیق نیست.

۸. اگرچه توضیح مؤلف در تفکیک و ارائه ملاکی برای تمایز مصداقی التقاط و تلفیق، نشان از دقت کلام وی دارد، با این حال، آیا ملاک ارائه شده، یعنی «بهره مندی ضابطه مند» (ص ۱۹۱) ملاکی قابل سنجش است؟ شرط کارآمدی ملاک، سنجش پذیری آن است. «تعامل پویا و منطقی»، ملاک تمایز رهیافت میان رشته ای و تتبع چندرشته ای قلمداد شده است (ص ۱۹۲). آیا به تبع تنوع تعریف و تصور از این مفهوم، ملاک این تمایز متنوع نمی شود؟

۹. عنوان و مسئله اصلی کتاب، «روش شناسی فلسفه ملاصدرا» به طور خاص است. اگرچه نقش زیانبار تحویلی نگری در مسائل الهیاتی، از جمله در درک روش شناسی صدرا، قابل انکار نیست، با وجود این قرار گرفتن این فصل در این کتاب با این حجم تخصیصی و تفصیل، قابل بحث است. عنوان و مسئله فصل دهم کتاب، کلی تر و عام تر از کل بحث و مسئله اصلی کتاب است. در این کتاب، حداقل باید از نقش زیانبار تحویلی نگری روش شناختی در فلسفه سخن می رفت، نه